



عنوان مقاله : بررسی تأثیر سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

۱- فاطمه همتی ۲- فاطمه صالحی ۳- سیده زهرا موسوی ۴- نسترن محمدی

۱- کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان قزوین

۲- لیسانس آموزش ابتدایی دانشگاه بنت الهدی صدر قزوین

۳- لیسانس آموزش ابتدایی دانشگاه بنت الهدی صدر قزوین

۴- لیسانس آموزش ابتدایی بنت الهدی صدر قزوین

چکیده:

در خانواده والدین اولین الگوهای فرزندان خود هستند که فرزندان با همانند سازی و تقلید الگوی رفتاری والدین خود را یاد می گیرند و وقتی وارد مدرسه می شوند، تحت تأثیر افکار و رفتار معلمان خود قرار گرفته به شکل های مختلف رفتار ها و الگوهای جدیدی را از آنان فرا می گیرند. تحصیلات والدین سرآغاز و زیر بنای پیشرفت جریان زندگی خانواده و جامعه است. تحقیقات نشان داد که بین سطح سواد والدین و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه مستقیم وجود دارد. هر چه میزان سطح سواد والدین در سطح دیپلم و بالاتر باشد، پیشرفت تحصیلی دانش آموز بیشتر است و هر چه میزان سطح سواد والدین در حد سیکل و پایین تر باشد، پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کمتر است. بنابراین دانش آموزانی که خانواده تحصیل کرده دارند در امر تحصیل پیشرفت و ترقی بیشتری دارند. همچنین نتایج مطالعات نشان داده است که سطح تحصیلات والدین و فرهنگ جامعه بر پیشرفت تحصیلی و سلامت روان دانش آموزان تأثیر بسزایی دارد.



واژگان کلیدی : سواد - والدین - پیشرفت تحصیلی - دانش آموزان

مقدمه :

تعلیم و تربیت یکی از عناوینی است که در جامعه امروز نقش اساسی دارد و اهمیت و توجه به آن ناشی از ارزشهای فردی و اجتماعی آن در تکوین نظام و جوامع بشری است. جوامع بشری سعی در آن دارد تا با مطالعه و تحقیق یافته‌های خود در قالب راه‌های مناسب و مطلوب ارائه دهند و در جهت پیشبرد و اهداف عالی و غائی بشر گامی بردارند و عوامل و متغیرهای گوناگونی را که در جریان تعلیم و تربیت وجود دارد بشناسد. (شکوهی، ۱۳۶۸، ص ۸۸)

ضرورت تربیت عمومی با توجه به پیشرفت و پیچیده‌تر شدن زندگی برای مقابله با مسائل روزمره بیش از پیش حساس می‌شود تا آنجا که رشد سازمانهای تربیتی به عنوان شاخص و معیار تعبیر رشد سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. (معیری، ۱۳۷۵، ص ۱۱)

اهمیت عمده آموزش و پرورش در نقش اجتماعی آن است که در آماده نمودن فرد جهت زندگی در میان انسان‌ها همت می‌گمارد. از جمله مسائل که در آموزش و پرورش هر کشور مورد ارزیابی و بررسی دقیق قرار می‌گیرد مسئله پیشرفت و افت تحصیلی و عوامل شکست و پیروزی دانش‌آموزان است که با بررسیهایی که از زوایای مختلف انجام می‌گیرد علل آن را پیدا کرده و در جهت رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط مثبت آن برنامه‌ریزی می‌نمایند.

با عنایت به اهداف تعلیم و تربیت و خصوصاً از دیدگاه اسلام که رسیدن به کمال است و خود نیز دارای هدف نهایی غایی، کلی و اهداف تفصیلی است باید گفت اهداف کلی که در مقایسه با هدف‌های غایی با عبارات دقیق‌تری بیان شده‌اند سیاست‌های آموزشی را از نزدیک‌القاء و تعقیب می‌کنند. باید توجه کرد ویژگی تربیتی باید همچون نهاد اجتماعی در نظر گرفته شود که نه تأثیر فردی بر فرد دیگر بلکه همچون تأثیر نسلی بر نسل دیگر ظاهر شود. (شکوهی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۵، ص ۱۲۶)



بیان مسأله

موضوع مورد مطالعه در این تحقیق عبارت است از : بررسی تأثیر میزان سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است سؤالات مورد بحث در این تحقیق عبارتند از:

- آیا پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با تحصیلات والدین آنها رابطه دارد؟
- آیا پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با تحصیلات مادر آنها رابطه دارد؟
- آیا پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با تحصیلات پدر آنها رابطه دارد؟
- آیا افت تحصیلی دانش آموزان با تحصیلات والدین آنها رابطه دارد؟
- آیا سطح سواد پدر بر مشکلات تحصیلی دانش آموز تأثیر دارد؟
- آیا سطح سواد مادر بر مشکلات تحصیلی دانش آموز تأثیر دارد؟
- آیا سطح سواد پدر بر مشکلات رفتاری دانش آموز تأثیر دارد؟
- آیا سطح سواد مادر بر مشکلات رفتاری دانش آموز تأثیر دارد؟

اهداف کلی تحقیق

هدف کلی این تحقیق دست یابی به ارتباط و مقایسه تأثیر میزان سطح سواد والدین با ایجاد زمینه‌ای برای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و اطلاع از اینکه میزان سواد کدامیک از والدین بر پیشرفت تحصیلی فرزندانشان بیشتر است.

اهداف جزئی:

- بررسی و تعیین تأثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان .
- بررسی و تعیین تأثیر سواد پدر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان.
- بررسی و تعیین تأثیر سواد مادر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان.
- بررسی و تعیین تأثیر پدر بر مشکلات تحصیلی دانش آموز.
- بررسی و تعیین تأثیر مادر بر مشکلات تحصیلی دانش آموز.
- بررسی و تعیین تأثیر سطح سواد پدر بر مشکلات رفتاری دانش آموز.
- بررسی و تعیین تأثیر سطح سواد مادر بر مشکلات رفتاری دانش آموزان.



فرضیه تحقیق

فرضیه ذیل در جهت امر تحقیق ارائه شده اند تا مورد سنجش قرار گیرند و صحت و سقم آنان مشخص گردد .

- ۱- بین سطح سواد والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان آنها رابطه وجود دارد.
- ۲- بین سطح سواد مادر و پیشرفت تحصیلی فرزندان او رابطه وجود دارد.
- ۳- بین سطح سواد پدر و پیشرفت تحصیلی فرزندان او رابطه وجود دارد.
- ۴- بین سطح سواد مادر و افت تحصیلی فرزندان او رابطه وجود دارد.
- ۵- بین سطح سواد پدر و افت تحصیلی فرزندان او رابطه وجود دارد.
- ۶- بین سطح سواد والدین و میزان مشکلات تحصیلی فرزندان آنها رابطه وجود دارد.
- ۷- بین سطح سواد والدین و میزان مشکلات رفتاری فرزندان آنها رابطه وجود دارد.

متغیرهای تحقیق

- ۱- متغیر مستقل: سطح سواد والدین، سطح سواد مادر، سطح سواد پدر.
- ۲- متغیر وابسته: افت تحصیلی، پیشرفت تحصیلی، مشکلات رفتاری، مشکلات تحصیلی.
- ۳- متغیرهای کنترل: مقطع تحصیلی.
- ۴- متغیرهای مداخله گر: امکانات آموزشی مدرسه، روش تدریس معلم، توانایی های ذهنی فراگیران، میزان هوش، میزان آمادگی، میزان انگیزش یادگیری و وضعیت اقتصادی خانواده و روابط والدین با یکدیگر و فرزندان.

تعاریف واژه نامه ای و عملیاتی متغیرهای مستقل

سواد (literacy): توانایی خواندن، نوشتن، سطح دقیق این توانایی ها که برای با سواد شناساندن شخص کافی باشد کار مشکلی است (چرانکاری، ۱۳۷۳، ص ۸۴۹)

سطح سواد والدین (عملیاتی): بر اساس تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه به چهار سطح خیلی ضعیف، ضعیف، خوب و خیلی خوب تقسیم می کنیم به این نحو که مدارک تحصیلی:



کمتر از سیکل خیلی ضعیف

سیکل و کمتر از دبیلیم : ضعیف

دبیلیم تا لیسانس : خوب

بالا تر از لیسانس: خیلی خوب

سطح بندی می کنیم.

تعاریف واژه نامه ای و عملیاتی متغیرهای وابسته:

پیشرفت تحصیلی (educational – achievement): پیشرفت تحصیلی عبارت است از هر وضعیتی که موجب تحول دانش آموزان شده و آنها را در مراحل مختلف تحصیلی موفق بدارد و نیز ارتقاء سطوح بالاتر تحصیلی در رشته های مختلف تحصیلی (طلایی عبدي، ۱۳۷۲، ص ۲۰).

پیشرفت تحصیلی (عملیاتی): پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را بر اساس تفاوت معدل نمرات پایانی نوبت اول و دوم را به چهار سطح تقسیم می کنیم به این صورت که چنانچه تفاوت معدل نمرات پایانی نوبت دوم با نوبت اول:

کمتر از ۰/۱۰ باشد: خیلی ضعیف

بین ۰/۱۱ تا ۰/۲۰ باشد: ضعیف

بین ۰/۲۱ تا ۰/۵ باشد: خوب

بالا تر از ۰/۵۱ باشد: خیلی خوب

درجه بندی می کنیم.

افت تحصیلی (واژه نامه ای) : به کاهش عملکرد فرد از سطح رضایت بخشی به سطح

نامطلوبی گفته می شود (برونو، ۱۳۷۰، ص ۱۴۰)

افت تحصیلی (عملیاتی) : افت تحصیلی دانش آموزان را بر اساس تفاوت معدل نمرات پایانی نوبت اول و دوم را به چهار سطح تقسیم می کنیم به این صورت که چنانچه تفاوت معدل نمرات پایانی نوبت دوم با نوبت اول کمتر شده و این تفاوت

بیشتر از ۰/۱ خیلی ضعیف

بین ۰/۲۱ تا ۰/۵ ضعیف

بین ۰/۱۱ تا ۰/۲۰ خوب



کمتر از ۰/۱۰ خیلی خوب

درجه بندی می کنیم.

مشکلات تحصیلی (عملیاتی): مشکلات تحصیلی فرزندان بر اساس دفعات ارجاع آنان به

دفتر مدرسه به چهار سطح تقسیم می شود به این صورت که:

دانش آموزانی که بدلیل مشکلات تحصیلی اصلاً به دفتر مدرسه ارجاء داده شده اند: خیلی

خوب

بین ۱ تا ۲ بار ارجاء داده شده اند: خوب

بین ۳ تا ۵ بار ارجاء داده شده اند: ضعیف

بیش از ۷ بار ارجاء داده شده باشند: خیلی ضعیف

درجه بندی می شوند.

مشکلات رفتاری (عملیاتی) : بر اساس نمره انضباط سالانه دانش آموزانی که نمره انضباط

آنها به شرح ذیل باشد از نظر رفتاری به این شکل تقسیم می شوند:

۲۰ : خیلی خوب

بیشتر از ۱۸ و کمتر از ۲۰: خوب

بین ۱۶ تا ۱۸: ضعیف

کمتر از ۱۶ : خیلی ضعیف

اهمیت ضرورت تحقیق:

در مورد آثار و پیامدهای شوم بی سوادی منحنی فراوان است. دو واقع آن چه که باعث استثمار و استعمار کشورهای جهان سوم شده وجود ناآگاهی و بی سوادی در سطح وسیعی از افراد این جوامع است. اگر آگاهی را با سواد معادل در نظر گیریم – که در حقیقت هم در جامعه کنونی اینگونه است – همواره آگاهی سبب اطمینان و انقلاب در برابر ستمگران و ظالمان بوده است. شواهد تاریخی نیز گواه آن است که حکومت پادشاهان ستمگر دوام بیشتری داشتند که رعیت خود را ناآگاه نگه می داشتند. استعمارگران که به غارت کشورهای جهان سوم می پرداختند بدان خاطر که با مقاومتی از سوی مردم مواجه نشدند سعی می کردند مردم را در ناآگاهی و بی سواد نگه دارند. و بدین خاطر بی سواد را پدیده شوم



استکبار نام نهاده اند. متأسفانه کشورهای اسلامی ما که سالهاست از قیومیت استعمار ازاد گشته ف هنوز با پس مانده های معضل بی سوادی در جامعه مواجه است. حقیقتاً برای کشوری که روزگاری مهد علم و تمدن بوده است وام القری دینی است که علم آموختن را بر هر مسلمانی فرضیه می داند مایه تأثر و تأسف است. (عسگریان ، ۱۳۶۳ ، ص ۲۲)

بی سوادی پدیده شومی است که اغلب باعث ایجاد دور باطلی می گردد که فرزندان افراد بی سواد نیز در آن وارد می شوند به بیان دیگر یکی از پیامدهای خطرناک بی سوادی ، تأثیر بزرگسالان و والدین بی سواد بر روی آینده سازان جامعه است که لازم است دولتمردان و روشنفکران آن را مورد بررسی قرار دهند و آگاهانه به مبارزه ریشه ای با آن بپردازند.

(معیری ، ۱۳۷۵ ، ص ۱۴).

از نظر دیگر روانشناسی - خصوصاً روانشناسی تربیتی - در پی شناخت عوامل تأثیر گذار بر رشد و پیشرفت کودک است تا بتواند موجبات بالندگی و رشد افراد جامعه آینده را فراهم سازد. اکنون که مدرسه بهعنوان یک واقعیت لازم در آمده است تا حدود زیادی رشد و تعالی افراد به میزان پیشرفت تحصیلی آنان بستگی دارد و خانواده به عنوان اولین و مهمترین پایگاه اجتماعی نقش بسزایی بر میزان پیشرفت تحصیلی کودکان دارد. که در این میان یکی از عوامل - که شاید تأثیر گذارترین عامل نیز بر پیشرفت تحصیلی کودکان باشد - میزان سواد والدین است. (پارسا، ۱۳۷۴، ص ۵۵).

چرا آموزش و تحصیلات والدین الزامی است؟

بسیاری از والدین به این تشخیص رسیده اند که طرز تفکر کودکان امروزی، با طرز تفکر کودکی خودشان بگلی متفاوت است و این عامل باعث سر در گمی آنان می شود والدین می توانند با مطالعه دقیق کتب مفید یا راهنمایی خواستن از بزرگان علم روانشناسی رابطه مؤثر تر با فرزندانشان و آموزش آنان بدست آورند.

براستی چرا والدین نیاز به آموزش دارند؟ از مدت ها قبل در جامعه برای افرادی که به نحوی با کودکان سر و کار دارند مانند معلمان، مشاورین، روانشناسان و روانپزشکان آموزش ویژه ای وجود داشته است ولی آنان که در زندگی کودکان مهمترین نقش را دارند یعنی والدین معمولاً وظیفه پرورش فرزندان را بدون الگوی خاصی بر عهده دارند.



امروزه بعزت تحولات اجتماعی نیاز والدین به آموزش به وضوح دیده می شود.

پیشینه تحقیق :

مروری بر تحقیقات پیشین در ایران:

گرایش به تحصیل و ادامه آن رابطه جدی در فرهنگ خانواده دارد. اگر تمام فرصت و فراغت خانواده صرف تأمین معاش و نگرانیهای ناشی از کمبود ها بشود گرایش به مطالعه و لذت بردن از آن، سرگرمیها و تفریحات سالم کاهش می یابد و چه بسا به صفر می رسد. در خانواده هائیکه به مسائل فرهنگی اهمیت داده نمی شود و عادت به مطالعه وجود ندارد بار معنوی خانواده کاهش یافته و تحصیل تحمل ناپذیر می شود. فقر اقتصادی و کمبود فراغت اغلب به فقر فرهنگی منجر می شود هر چند نمی توان گفت که غنای فرهنگی خانواده حتماً به غنای فرهنگی دانش آموز موجب خواهد شد. بیسوادی و افزایش جمعیت خانواده نیز از موانع بزرگ رشد فرهنگی و در نتیجه موفقیت تحصیلی است. (اسماعیلی، ۱۳۷۱، ص ۵۵) در تحقیقی که توسط آقای عباس طباطبایی یزدی در این زمینه «بررسی چگونگی رابطه بین تحصیلات والدین و پیشرفت تحصیلی دانش آموز» روی سه مقطع تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان) دختر و پسر تهران صورت گرفته نشان می دهد که: والدین با سواد و تحصیلکرده به عنوان راهنما می توانند کمک مؤثری در رفع مشکلات درسی فرزندان خود داشته باشند. والدین تحصیلکرده احتمالاً بیش از پدران و مادران کم سواد و یا بی سواد به ارزش و اهمیت تحصیلات واقف هستند از همین رو علاقمندی و پیگیری جدی تر در زمینه تحصیلی فرزندان خود نشان می دهند. والدین تحصیلکرده و با سواد در صورت فراهم بودن امکانات و شرایط از انگیزه بیشتری در فراهم آوردن امکانات مادی و وسایل آموزشی و کمک آموزشی برای فرزندان خود برخوردارند. تحصیلات پدران و مادرانی در پیشرفت تحصیلی فرزندان مؤثرتر است که امکانات اقتصادی، اجتماعی مناسب تری وجود داشته باشد.

تأثیرات تحصیلات پدر و مادر بر پیشرفت تحصیلی فرزندان در مقطع ابتدایی و راهنمایی کم و بیش یکسان و تفاوت های آن جزئی است. اما در دبیرستان میزان همبستگی بطور محسوسی افت می کند که یکی از عوامل آن تخصصی شدن و مشکل بودن دروس می باشد و والدین نمی توانند کمک مؤثری در رفع مسائل بنمایند.



از سوی دیگر، فرزندان در سنین دبیرستان مستقل تر از سنین مقطع ابتدایی و راهنمایی عمل می‌کنند و چون از استقلال فکری بیشتری برخوردارند از عهده فراگیر دروس خود بر آمده و کمتر وابسته به والدینشان می‌گردند بطور خلاصه مهمترین عوامل مرثر در پیشرفت فرزندان عبارت است از: استعداد، علایق فردی و تجربی، کارآزمودگی معلم، روش تدریس، روابط عاطفی، و بالاخره مهمترین آنها تحصیلات والدین که بسیار پر اهمیت است. (ملکی، ۱۳۷۸، ص ۳۵)

از جمله تحقیقات انجام شده در رابطه با پیشرفت تحصیلی می‌توان به طرح پژوهشی بررسی آراء و نظریات معلمان نسبت به نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی فرزندان در مورد دانش آموزان مدارس ناحیه ۳ - در سال تحصیلی ۱۳۷۲ که توسط آقایان محمد حسن سبزه بین و رضوانعلی احمد زاده زیر نظر استاد جناب آقای شکیب انجام گرفته است اشاره کرد که اهم نتایج آن به شرح ذیل است:

بین میزان تحصیلات والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان رابطه معنی داری وجود دارد و فرضیه صفر با اطمینان ۴۵٪ رد می‌شود. بین میزان درآمد والدین و شغل والدین و پیشرفت تحصیلی والدین همبستگی مثبت وجود دارد. بین تعداد اعضاء خانواده و پیشرفت تحصیلی والدین همبستگی مثبت وجود دارد.

اولین تحقیق، بررسی رابطه بین تحصیلات والدین و افت تحصیلی دانش آموزان پسر کلاس پنجم شهرستان تربت جام توسط آقای عبد الرئوف سلیمانی احمد آباد و زیر نظر استاد عالیقدر جناب آقای موسوی عمادی در سال ۱۳۷۹ انجام گرفته است که اهم نتایج آن به شرح زیر است:

۱- بین تحصیلات پدر ۱ میزان افت تحصیلی دانش آموزان تفاوت معنی داری وجود دارد.

۲- بین تحصیلات مادر و میزان افت تحصیلات فرزندان نیز تفاوت معنی داری وجود دارد.

در تحقیق دیگری آقای حسن طلایی عبدی در پروژه کارشناسی ارشد خود در زمینه تأثیر قشر بندی اجتماعی در پیشرفت تحصیلی به این نتیجه رسیده است که « پیشرفت تحصیلی بعنوان یک ویژگی فرهنگی در میان قشرهای یک جامعه موضوعی است که بسیاری از



متخصصان علوم اجتماعی و علوم تربیتی به مطالعه آن علاقمندند» در گزارشهایی از این تحقیق تأثیر آشکار نا برابریهای اجتماعی و اقتصادی به خوبی بیان شده است و پس از بررسیهای زیاد مشخص نموده است که وضع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی والدین مخصوصاً سواد پدر و مادر در میزان هوش و پیشرفت و شکست تحصیلی دانش آموز مؤثر است.

تحقیقات انجام شده در بعضی کشورها:

بر اساس تحقیقات مربوطه به دکتر «جان بک» در کتاب (چگونه فرزندان با هوش تری تربیت کنیم) می نویسد:

اکنون جامعه شناسان و معلمین مشغول جستجوی طرقي برای جبران محرومیت آموزش ۶ ساله آن دسته از کودکان هستند که بدون فراگیریهای اولیه قدرت آموختنشان متوقف شده است.

آموزگاران بر این باورند که تحریکات سالهای قبل از شروع مدرسه، بهترین روش بالا بردن هوش و استعداد کودکان است. تعداد زیادی از والدین تحصیلکرده و با سطح سواد بالاتر پی برده اند که کودکان آنها قادرند درسهای کلاس اول و بالاتر از آن را قبل از رفتن به دبستان فراگیرند و همچنین می گویند شما پدران و مادران مهمترین و ضروری ترین معلمانی هستید که فرزندان شما در طول زندگی مانند آن را نخواهد داشت. (جان بک ، ۱۳۷۰ ، ص ۶۶)
شخصی به نام « نیوسانز » در انگلستان (۱۹۷۸) در پژوهشی که در ارتباط با اثرات متقابل خانواده و کودک در مدرسه داشتند و مصاحبه ای که با والدین کودکان ۷ ساله انجام داد به این نتیجه رسیده است:

که هر چه سطح سواد والدین بیشتر باشد وضع تحصیلی و فرهنگی کودکان آنها نیز در موقعیت مطلوب تر قرار خواهد داشت و این قبیل والدین ضمن قرار دادن کتاب های زیادی در اختیار کودکان ، بیشترین وقت خود را به مطالعه می گذرانند.
در تحقیق دیگری که بوسیله ترمن انجام شده است ۶۵۰ پدر کودکان پر هوش از لحاظ وضع شغلی به ۵ دسته تقسیم شدهاند:

۱- گروه تحصیلکرده ۳۱/۴ درصد.

۲- گروه نیمه تحصیلکرده ۵۰ درصد .



- ۳- کارگر کارآموده ۱۱/۸ درصد .
- ۴- کارگر نیمه آزموده ۶/۶ درصد .
- ۵- کارگر معمولی ۱۳ درصد.

تأثیر نقش والدین بر رشد و پیشرفت کودکان:

رفتار و عملکرد اجتماعی، عاطفی و عقلانی کودک و بطور کلی چگونگی شکل‌گیری شخصیت او تحت عوامل بی‌شماری قرار دارد که هر یک به نحوی خاص نقش خود را در این زمینه ایفا می‌کند لکن در این میان خانواده و خصوصاً پدر و مادر با تمام ویژگیها و عملکرد خاص خود بالاترین سهم را در این مهم عهده دارند زیرا طرح اساسی و زیر بنای شخصیت کودک در اولین سالهای زندگی و در میان اعضاء خانواده شکل می‌گیرد و پدر و مادر دانسته یا ندانسته به عنوان طراح و بنیانگذار شخصیت کودک، چگونه زیستن و چگونه بودن او در سالهای پر فراز و نشیب آینده از همان آغاز زندگی تعیین می‌کنند. (احمدی، ۱۳۷۳، ص ۵۱)

پدر و مادر نخستین آموزگاران فرزندان خویش می‌باشند. هم آنانند که در آموزشده خانواده، انسانهای شایسته و والامقام یا مفسدان جامعه خراب کن را تعلیم و تربیت می‌کنند، آرزوی داشتن مدینه فاضله زمانی تحقق می‌یابد که خانواده به رسالت عظیم خویش در زمینه اهداف پرورش آگاهی یافته و بدان عمل کند. (مومنی، ۱۳۷۱، ص ۳۰)

نقش مادر: مادر نخستین کلماتی را بر زبان کودک می‌گذارد چه بسار غلطها و اشتباهات اولیه که مادام العمر به علت بدآموزی و اشتباه ما در ذهن کودک باقی می‌ماند. تلفظ درست بکار بردن لغات در جای آن دادن اطلاعات و آگاهیهای اصل و دور از خرافات از زمینه های وظیفه ای مادر است و باید آن را بیاموزد. در جنبه علمی لازم نیست مادر حتماً زنی عالمه و مخترع و دارای تحصیلات عالیه باشد ولی دانشتن ولو کم دامنه لازم است تا جلوی برخی از ندانم کاریها را بگیرد، از اتلاف سرمایههای ملی جلوگیری نماید. خانواده را از نعمت سلامت بهره دهد و لایق رهبری کودک باشد، کودکان مخصوصاً در دوره ابتدایی خود را با مادر نیز معلم خود را با مادر مقایسه می‌کنند و چه بسار بد بینی ها، بی توجهی ها، فاصله گرفتن های فرزندان با مادران از آن زمان پایه گذاری می‌شود. بدین سان لازم است



وسعت فکر و هوش و فراست، مال اندیشی مادران با دانستن ولو سطحی همراه باشد.

(قائمی، ۱۳۵۶، ص ۵۹)

نقش پدر: جهل و نادانی، زمینه ساز بسیاری از عملکردهای ناپسند و انحرافات می باشد. آدمی وقتی به دنیا می آید جاهل است، عوامل متعددی بایستی به دست هم دهند و ریشه آگاهی و علم را در خمیر او بکارند. یکی از کسانی که می تواند وظیفه سنگین را در این جهت بر عهده گیرد پدر است. او می تواند با راهنمایی و جهت دادن و همین طور ایجاد و تهیه امکانات مورد لزوم برای کودک او را یاری رساند که آگاهی های لازم را بدست آورد و توانا شود. کودک نیازمند آن است که زندگی اش مثنی روشنی را با آگاهی در پیش گیرد و چگونگی موضع گیری در مورد زندگی و اشیاء پیرامون را با علم کسب کند. در این راه پدر می تواند نقش زیر بنایی و ریشه ای داشته باشد. پدر می تواند علاوه بر پدر بودن یک معلم فداکار نیز بشمار آید. کودک آنچه را که نمی داند از پدر می پرسد و قصد کودک این است که پدر همه چیز را می داند و از آنچه که در جهان می گذرد اطلاع دارد. پدر برای کودک درس ادب و انضباط، فداکاری و گذشت و علم و اخلاق را باید عملاً در برداشته باشد تا کودک با همانند سازی و پرسش به رشد از طریق پدر برسد. پدر با همکاری و رفت و آمد در مدرسه باید تلاش کند که هر چه بهتر و بهتر زمینه را مناسب تربیت فرزندش کند و با همکاری و همیاری با مسئولین رشد فرزندش را برای یادگیری و آگاهی تسریع کند و کمی و کاستی را با مشورت و همفکری از پیش پا بردارد. پدر باید انتظارات و توقعات خود را بر اساس ظرفیت و توانایی کودک بنا گذارد و خود حوصله آن را داشته باشد که کمبود ها را به طریق منطقی و عقلانی رفع کند و اشکالاتی که در امور مختلف احتمال دارد در راه تربیت به وجود آید را به صورتی معقول رفع کند. (نجاتی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۰)

نقش و تأثیر والدین - خصوصاً سواد آنها - بر پیشرفت تحصیلی کودکان

چند عامل مشخص که بر پیشرفت تحصیلی کودک تدثیر دارد.

الف- رشد زبان کودک با میزان سخن گویی پدر و مادر با کودک رابطه دارد: عوامل محیطی گوناگون در سخن گویی و قدرت بین کودک تأثیر دارد. کودکان خانواده های تحصیل کرده و تربیت شده با واژه های درست و سخنان شایسته سر و کار دارند و با آنها که از این نعمت محرومند تفاوت دارند. (پارسا، - بهار ۱۳۷۴، ص ۵۹)



ب- مفید بودن کمک والدین به پیشرفت تحصیلی فرزندان ضعیف خود از نظر درسی : برخی از والدین فرزندان دارند که از نظر درسی متوسط و یا اندکی ضعیف هستند اگر تلاش و کوشش مستمر ولی اندک درباره اشان بعمل آید خواهد توانست خود را همسطح دیگر شاگردان کنند ولی بعلت بی سوادى والدین و یا پایین بودن سطح تحصیلات و اطلاعات انها قادر نیستند به فرزندان خویش کمک کنند همچنین برای اینگونه والدین بسی دشوار است که فرزندان خود را از نظر درسی کنترل کنند. اغلب آنها بخود واگذاشته شده و یا در برخی از موارد با حيله هاى والدین خود را در نادانى نسبت به وضع خود نگه می دارند. بر این اساس سطح فرهنگى والدین و استعداد و امکان آنها به پرداخت نسبت به کودک و کنترل سر به هوای آنان در عقب ماندگی درسی مؤثر است. (قایقى، ۱۳۷۳، ص ۵۲)

ج- نگرش پدر و مادر نسبت به مدرسه: نگرش پدر و مادر نسبت به مدرسه و آینده زندگى در نگرش کودک نسبت به درس و تحقیق تأثیر بسزایی دارد. پدران و مادران که درس را کارى بیهوده و اتلاف وقت تلقى می کنند ممکن است در فرزندانشان نیز همین داوری بوجود آید و در نتیجه برای آموختن و پیشرفت های تحصیلی هیچگونه کوششی به کار نبرد. (پارسا، ۱۳۷۱، ص ۱۱۶)

د- مشارکت و همکاری والدین با کودکان در انجام تکالیف درسی : کودکان در طول سالهای تحصیلی باید تکالیفی در خانه انجام دهند و موقع انجام این تکالیف دچار مشکلاتی شوند. کودکان در فرصت های مناسب پدر یا مادر را به کمک می طلبند و از آنان می خواهند که در حل مسائل به آنان کمک کنند و اگر این همکاری والدین در آموزش کودکان با روش و درست انجام شود مفید و مؤثر خواهد بود ولی گاهی اوقات هم ممکن است نتایج نامطلوبی به بار آورد. به عنوان مثال اگر کمک های والدین به صورت دائمی باشد کودک متکی شده و ممکن است احساس مسئولیت نکند و در انجام تکالیف بدون کمک والدین عاجز بماند. (جهانگرد، ۱۳۶۵، ص ۴۰)

ر- پدر و مادر باید فرهنگ کتاب خوانی و مطالعه را به فرزندان بیاموزند: کمک به فرزندان در انتخاب کتاب های خوب و متنوع با جاذبه یکی از وظایف مهم والدین است برخی از اولیاء فکری کنند وقت بچه ها تنها باید صرف خواندن کتاب های درسی شود این تصور نادرست است و والدین باید با تشویق فرزندان به مطالعه راه دانش افزایی آنان را هموار



سازند و بخشی از درآمد خانواده را صرف خریداری کتاب های آموزنده کنیم و عادت به مطالعه را در فرزندان بوجود آوریم.

برخی افراد برای تأمین پوشاک فرزندانشان مبالغ زیادی خرج می کنند اما جهت آموزش آنان حاضر نیستند هزینه ای تقبل کنند. نتیجه این تفکر، ضعف فرهنگ کتابخوانی در جامعه شده است در تنظیم اقتصاد خانواده باید بودجه ای برای اعتلای فکری فرزندان لحاظ گردد. (زرهانی، اسماعیلی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۹)

ص- نقش والدین در گرایش صحیح نسبت به آموزش: بهترین معلمان کودک والدین هستند که از آموختن پشتیبانی کرده و آن را تشویق می کنند. گرایش صحیح نسبت به آموزش، مهمترین درسی است که کودکان می توانند بیاموزند. نقش والدین در این یادگیری کلیدی است والدین می توانند به این امر صورت تحقق ببخشند. مدارس می توانند فقط آن را تصدیق نموده بر آن پایه آموزش های بعدی را پیش ببرند به فرزندان کمک کنیم. گرایش مثبت نسبت به یادگیری داشته باشند به فرزندان کمک کنید از نظر جسمانی، اجتماعی عقلانی احساس رشد نمایند. (فرگوس، ۱۳۷۴، ص ۱۱۳)

نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی فرزندان:

بشر در دوره ای برای سازگاری با محیط و تسلط بر طبیعت نیاز به یادگیری داشته است و لذا همیشه با محرک ها و عوامل محیطی اطراف خود درگیر بوده است. با نگاهی به تاریخ گذشته زندگی انسان ها می بینیم که این آموزش ها و یادگیری ها از طریق مشاهده مستقیم صورت گرفته و بصورت غیر رسمی به نسل های بعدی منتقل شده است. گرچه هوش بعنوان مؤثرترین عامل در پیش بینی پیشرفت تحصیلی به شمار می رود اما شناسایی سایر عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی همواره مورد علاقه معلمان، پژوهشگران و اولیاء دانش آموزان بوده است. علیرغم پیشرفتهایی که در شناسایی این عوامل حاصل شده است هنوز تأثیر دقیق هر یک از عوامل روشن نشده است. از جمله عوامل مؤثر بر پیشرفت هوش، انگیزه، شرایط اقتصادی دانش آموزان، وسایل کمک آموزشی شیوه ها و روش های مطالعه دانش آموزان و نقشی است که خانواده در این زمینه دارد. (عابدی، ۱۳۵۶، ص ۱۰)



صاحب‌نظران تعلیم و تربیت بر این عقیده اند که والدین با همکاری و کمک به معلمان در زمینه پیشرفت تحصیلی فرزندان خود می‌توانند بسیار مؤثر واقع شوند. این مسئله بخصوص در دوره ابتدایی بسیار حائز اهمیت است. خوشبختانه اکثر والدین بر اهمیت راهنمایی تحصیلی واقفند و شاید وقت فراوانی در این زمینه صرف می‌کنند وای نکته مهم این است که تا چه حد وظیفه و مسئولیت را صحیح انجام می‌دهند. زمانی والدین می‌توانند به نحو احسن از عهده این وظیفه برآیند که بدانند چگونه بجای کمک به دانش آموز، مانع پیشرفت و باعث سستی و تنبلی او شوند والدین با شناخت بیشتر و آگاهی از شیوه های صحیح تعلیم و تربیت بهتر می‌توانند به یاری فرزندان خود بشتابند. (شکوری، جهانی، ۱۳۷۱، ص ۵۸)

فلسفه سواد آموزی اجتماعی و آگاه سازی:

فلسفه سواد آموزی و آگاه سازی بر این اصل استوار است که یادگیری فرد نمی‌تواند از آنچه او درباره خویشتن و جهان خود می‌داند جدا باشد. یادگیری حقیقی در واقع تداوم اطلاعات و دانش انسان در زمینه های مختلف فرهنگی سیاسی، اقتصادی و فردی است که به کمک آزادی او و تغییر شرایط رنج آور زندگیش کمک می‌کند. این نوع دانش و اطلاعات پیوسته با پرسشی انتقادی درباره شرایط و موقعیت انسان و وضع موجود او در جامعه همراه است تا بدین وسیله، اراده او را برای از میان برداشتن شرایط ظالمانه اجتماع قوت بخشد و فرد را به بهبود زندگی خود تشویق کند. (اسماعیلی، ۱۳۷۱، ص ۶۷)

لحظه ای را به خاطر آورید که یک روز صبح از خواب برخاسته اید که نه سواد خواندن، نه سواد نوشتن و نه سواد حساب کردن دارید به عبارتی دیگر بی سواد هستید چه می‌توانید بکنید؟

غیر از بیان چه ارتباط دیگری بین شما و دیگران وجود دارد؟ کوچکترین مسائل روزمره زندگی عادی برای شما بصورت مسائل لاینحل جلوهگر خواهد شد در چنین وضعی به دنبال چه حرفه ای می‌روید؟ فرزندان شما از چه فرهنگ و رفاهی بهره مند خواهند شد؟ چگونه می‌توانید مخاطراتی را که فرا راه شما در فردا، یکسال دیگر یا یک قرن دیگر قرار دارد پیش بینی کنید؟ اگر شما بی سوادید از یکی از وسایل اساسی محروم بوده که می‌توان با



آن جهان را درک کرد و شناخت و در آن نقشی داشت و در غنی ساختن آن سهم گشت از جمله در کمک به فرزندان در امور تحصیلی و فرهنگی. (شکوهی، ۱۳۶۸، ص ۳۵۲)

آموختن برای زیستن یا زیستن برای آموختن

انسان در عصر امروز فراموش شده تر از دیروز است. او انسانی فطری نیست بلکه عنصر شرطی شده است و برنامه ریز نیست بلکه برنامه ریز شده است. او می آموزد بی آنکه بداند برای چه زندگی می کند و زندگی می کند بی آنکه آموزش را به خدمت زندگی خویش در آورد.

ما کودکانی را به مدرسه می فرستیم که چه اتفاقی رخ دهد؟ اگر از دانش آموزی سؤال کنیم که برای چه به مدرسه می روی؟ او احتمالاً پاسخ می دهد برای اینکه درس بخوانم. از او سؤال کنیم که برای چه درس می خوانی؟ او پاسخ خواهد داد برای اینکه قبول شوم و اگر بپرسید برای چه قبولی را دوست دارد. او احتمالاً می گوید چون بتوانم به کلاس بالاتری بروم و به همین ترتیب این چرخه سؤال پایان ناپذیر را اگر ادامه دهیم نهایتاً به این نتیجه خواهیم رسید که «او زندگی می کند تا بیشتر درس بخواند» حال آنکه ما باید درس بخوانیم تا بتوانیم «بهبتر زندگی کردن را بیاموزیم» ما موفقیت در درس را «برای درس» نمی خواهیم بلکه برای «موفق زیستن» می خواهیم. در این صورت است که در خواهیم یافت که مدلول واپسین این دور تسلسل چیست؟ واقعاً هدف از یادگیری چیست؟

هدف های آموزشی و پرورش بر چه اساسی تدوین یافته اند؟ کودکان ما تا چه اندازه به هدفهای «زندگی» خود نزدیک می شوند. آیا آموزش و پرورش برای زیستن در زمان گذشته است یا در زمان حال یا در زمان آینده؟

آیا کودکان باید آموزش ببینند که مانند نسل گذشته تربیت شوند و یا باید به اقتضای ضرورت های آینده برای زندگی آینده تربیت شوند؟ و یا در همین زمان حال و وضع فعلی بتوانند با محیط فرهنگ خود سازگار شوند؟

در اینجاست که چالش بزرگ و پایان ناپذیر میان فیلسوفان تعلیم و تربیت بوجود می آید. آیا اهداف آموزش و پرورش باید «وضع» شود یا «کشف شود». آموزش و پرورش باید در



اختیار استعداد و نیاز و علایق دانش آموزان باشد یا دانش آموزان در اختیار آموزش و پرورش می باشند؟

اینها سؤالاتی است که پاسخ به آنها نیازمند کالبد شکافی ساختار تربیت، هدف ها، روش ها و فلسفه آن است و فراتر از آن پی بردن به فلسفه زندگی است بدین معنی که تا ندانیم برای چه زندگی می کنیم نخواهیم دانست که چگونه اید تربیت کنیم یا تربیت شویم؟ (شکوری، جهانی، ۱۳۷۱، ص ۳۳)

چنانچه تعلیم و تربیت را محدود به آموزش های علمی و فرهنگ را معطوف به میراث های گذشته و تربیت را ابزاری برای هنجار پذیر به کار گیریم آنگاه چه ارتباطی میان فطرت و فرهنگ می توان برقرار نمود. تربیت مصروف تصرف معلومات و نه معطوف به فعلیت استعداد های دیگر نیست بلکه شبه تربیت است. تربیتی که با رام سازی، اهلی کردن، دست آموزی همجوار گردد و نه پرورش انسان های که به شکوفایی درون و خلق اندیشه های نو دست بیابند.

به گفته پائولو فریر: چنانچه تعلیم و تربیت را به معنای توصیه های سیاسی قلمداد نماییم آنگاه چه توصیه هایی تربیتی باید عرضه گردند تا با توجه به واقعیت ها و امکانات موجود، اعم از واقعیت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی برای آینده نسل فردا در چارچوب این مجموعه جهان رشد مناسب داشته باشد و البته « امر مناسب» در تعلیم و تربیت در « نباید مناسب با جامعه» و « شرایط کنونی» آنان باشد بلکه باید ناظر بر «آینده» آن نیز باشد نه آنچه که اکنون در شرایط و اقتضاهای فعلی جامعه مناسب تلقی گردد. آموزش و پرورش باید در تمامیت» کودک را در همه ابعاد وجودی و فراتر از زمان و مکان در عین پیوند با اینجا و اکنون در بر گیرد. از سوی دیگر آموزش باید به پرورش منتهی شود و پرورش به روشنایی دل بیانجامد اگر چنین فرآندی در تعلیم و تربیت رخ دهد جلوه درونی آن در متعلم ظهور نور و بصیرت خواهد بود. (علاقه مند، ۱۳۷۲، ص ۹۷)

توسعه و سواد آموزی:

بین بی سواد و عقب ماندگی ملت ها رابطه مشترکی است. تحقیقات نشان می دهد که کشورهای فقیر در عین حال کشورهای بی سواد نیز هستند در حالیکه کشورهای غنی ،



کشورهای با سواد می باشند. می دانیم سرمایه گذاری در ریشه کن کردن بی سوادی را جزء سرمایه گذاریهای ضروری به حساب می آورند نه به عنوان یک سرمایه گذاری تفننی. همچنین بی سوادی جلوی دست یافتن به عقاید ترقی را می گیرد. برای پیشرفت اقتصادی باید از روشهای سریع، کافی، کم خرج استفاده کرد برای این منظور باید فنون جدید اشاعه یابد حال چرا این اشاعه تحقق نمی یابد؟ چون اشخاصی که باید آن را اشاعه دهند خود از درک و به کار بستن آن عاجزند. (عمادزاده، ۱۳۷۴، ص ۱۲)

انواع خانواده و تأثیر روش تربیت خانواده بر فرزند:

این مبحث می خواهد ما را با انواع خانواده ها و روش های تربیت در آن آشنا کرده و در ضمن از نکات مثبت و منفی آنها آگاه نماید و سپس به ما به عنوان یک معلم و یا به عنوان یک ولی چگونگی اصلاح روشهای نا صحیح تربیتی را گوشزد نماید و به طرف نکات مثبت رهنمون گرداند. در حالت کلی چهار نوع خانواده مورد بحث ما می باشد.

خانواده آزاد، خانواده مستبد، خانواده طرد شده، خانواده پذیرنده

خانواده آزاد خانواده ای است که اعضای آن اختیار تام برای انجام هر عمل را دارند و هیچگونه محدودیت و قیدی در انجام اعمال وجود ندارد و فرزندان خانواده زمان بخصوصی برای رفت و آمد از خانه را ندارند و هرگونه امکاناتی بخواهند خانواده در اختیار آنان قرار می دهد و بچه هایی که در این نوع خانواده ها تربیت می شوند هیچگونه مسئولیت و قیدی را در مقابل مسائل اجتماعی نمی پذیرند و از جامعه، مدرسه و محیط کار خود همان انتظار خانواده را می طلبند و در صورت ایجاد مشکل و مسئله احساس دلسردی و نومیدی می کنند و در مدرسه احساس برتری طلبی و سلطه جویی را خواهان می باشند و به این گونه خانواده ها، خانواده های فرزند سالاری نیز می گویند.

نوع دوم خانواده استبدادی یا به عبارتی خانواده پدر سالاری یا مادر سالاری می باشد و در این نوع خانواده ها بچه ها باید گوش به فرمان باشند و کودکان این خانواده ها اعتماد به نفس ندارند و همیشه مطیع بار می آیند و در جامعه کمتر می توانند در قبال مسئولیتهای خود متکی باشند و فرزندان این خانواده ها کمتر می توانند نقش رهبری را در جامعه بعهده

بگیرند و یک اضطراب درونی و یک احساس حقارت تمام وجود آنها را پوشش داده است و در مدرسه نیز کمتر به خود متکی می باشند.

نوع سوم، خانواده طرد شده است که بیشتر در خانواده هایی با فرزندان زیاد یا بچه های ناخواسته دیده می شود و در این خانواده بچه ها چون خانواده آزاد می توانند همه کار انجام دهند ولی همچون خانواده آزاد کلیه امکانات و شرایط برای آنها فراهم نیست و کودکان چنین خانواده هایی لاابالی و بی قید بار می آیند و هیچ برنامه ثابت در زندگی خود ندارند و از زیر بار مسئولیت و نظم و ثبات طفره می روند.

نوع چهارم، که خانواده ایده آل است و مورد نظر این طرح می باشد خانواده متعادل یا پذیرنده است در این خانواده نظم، ثبات، دوام، عدالت، عشق و محبت جاری بوده و هر کدام از اعضای خانواده ارزش و حرمت و وظیفه خود را قبول کرده و در انجام وظایف خود مسئولیت نشان می دهند و یک جو همکاری صحیح بین اعضای خانواده وجود دارد و هیچ وقت در خانواده تهدید به طلاق و جدایی وجود ندارد و پرخاشجویی و سخنان رکیک رد و بدل نمی شود و مادر سمبل محبت و عشق بوده و پدر سمبل عدالت در بین اعضای خانواده می باشد و هر کدام از اعضای دارای آزادی حساب شده و کافی می باشند و اینگونه کودکان در مدرسه نیز به حقوق دیگران احترام گذاشته و وظیفه خود را به نحو صحیحی به اتمام می رسانند. (ملکی، ۱۳۷۸، ص ۷۱)

رابطه سواد والدین با محل تحصیل مورد آرزو و شغل مورد علاقه برای فرزندان بررسی پژوهش در این زمینه نشان داده است که برای والدین تحصیل کرده و پیشرفت فرزندان در امر تحصیل و موفقیت آنان در این زمینه بعنوان یکی از ارزشهای مهم تلقی می شود. در این گونه خانواده پدر و مادر برای پیشرفت درسی فرزندان اهمیت زیادی قائل هستند. آنها اغلب به هنگام ثبت نام فرزندان از مدارس مختلف در خصوص کیفیت آموزش، بافت دانش آموزی مدرسه، تجربه و کارآزمودگی معلم و ... کسب اطلاع می کنند و با شناخت کامل حتی الامکان سعی می کنند فرزندان آنها به مدرسه ای بروند که دارای کیفیت بالای آموزش باشد. در صورتیکه والدین کم سواد و بی سواد توجه چندانی به وضعیت تحصیلی فرزندان خود ندارند و در قبال مدرسه و محل تحصیل فرزندانشان اغلب بی تفاوت هستند. (بیابانگرد، ۱۳۶۸، ص ۱۳)



همچنین یافته‌های پژوهشی در خصوص سطح سواد والدین با شغل مورد علاقه برای فرزندان نشانگر این است که ۷۱٪ والدین با تحصیلات بالاتر اظهار کرده‌اند که فرزندانشان پزشکی و مهندسی را برای خود انتخاب کنند و ۲۴٪ اظهار داشته‌اند که فرزندانشان در آینده شغل معلمی را انتخاب نمایند. این در حالی است که ۲۶٪ والدین کم سواد اظهار کرده‌اند که فرزندانشان در آینده پزشک و مهندس باشند و تقریباً نیمی از والدین اظهار کرده‌اند که فرزندانشان در آینده شغل معلمی و بهیاری را انتخاب نمایند و حدود ۲۶٪ هم در زمینه شغل آینده فرزندانشان هیچگونه اظهار نظری نکرده‌اند. (آرمند، ۱۳۶۰، ص ۵۱)

رابطه سواد والدین با اوقات فراغت فرزندان:

نتایج پژوهش در این زمینه حاکی از این است که والدین با تحصیلات دیپلم و بالاتر، فرزندان آنها اغلب اوقاتشان را در تعطیلات در درجه اول با رفتن به کلاسهای تقویتی زبان انگلیسی و فعالیت های ورزشی پر می کنند و در واقع سعی می کنند فرزندانشان برنامه صحیحی جهت گذراندن اوقات فراغت خود داشته باشند در صورتیکه والدین کم سواد که با سطح اقتصادی پایین تری زندگی می کنند آنچه مهم است کمک فرزندان به والدین در جهت تأمین معاش خانواده است و کمتر والدین هستند که اوقات فراغت خود را با برنامه های تفریحی و عملی پر کنند. (عابدی، ۱۳۵۶، ص ۳۳)

خانواده و دوران بلوغ فرزندان

دشوار ترین دوران حیات انسان از جهت تربیتی دوره نوجوانی است این دوره که حدود سنی (۱۲-۱۸) سال را در بر می گیرد ، منطبق با دوره راهنمایی و دبیرستان است. بیشترین مشکلات تربیتی در این دوره هف پیش می آید و اغلب در همین دوره است که فرزندان یا از دست می روند و یا در مسیر سعادت گام می نهاند. در این دوره مرحله انتقال از دوران کودکی به دوران نوجوانی و بزرگسالی است (سادات ، ۱۳۷۲، ص ۱۸)

نوجوان به دنبال هویت جدیدی است که با کمک والدین و اولیاء مدرسه باید هر چه سریعتر هویت سالمی بیابد و بتواند به سؤال من کیستم و یا چیستم پاسخ دهد. نوجوانانی که به شغل و حرفه بخصوصی علاقه ندارند طبعاً به درس خواندن هم علاقه نشان نمی دهند، زندگی خود را پوچ و بی معنا می پندارند و دچار ابهام نقش می شوند. (اریکسون ، ۱۹۷۵، ص ۲۳۲)



از طرف دیگر در این دوره نوجوان را از نظر فکری قدرت و توانایی بیشتری می‌یابد و می‌تواند در مورد بسیاری از مسائل زندگی بیندیشد و تصمیم بگیرد تصمیمی که می‌تواند موجب پیشرفت نوجوان گردد و یا آنکه او را به سوی انحطاط پیش ببرد.

هم زمانی این دوره باید پدید بلوغ منجر می‌شود که این دوره از زندگی از اهمیت و حساسیتی ویژه برخوردار باشد، پدیده بلوغ، هیجاناتی را در نوجوان ایجاد می‌کند که گاهی منجر به عقب ماندگی تحصیلی و در اکثر موارد ترک تحصیل نوجوان می‌شود، بزرگترین حامی نوجوان در این زمان خانواده است و اینجاست که خانواده باید با ایجاد محیطی گرم و صمیمانه و دادن آموزشهای لازم به نوجوانان او را از بسیاری از آفت ها و انحرافات و بزهکاریها در امان نگه دارد.

در تحقیقی در مورد دانش آموزان نتیجه گیری شده است که دیسپلین ضعف خانواده ، طرد شدن توسط دوستان و شکست تحصیلی در رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان در دوازده سالگی مؤثر است (مکارمی، ۱۳۷۳، ص ۲۳۲)

خانواده اولین هسته اجتماع است که افراد آن با هدف ؟؟؟/ به تعبیر قرآن مجبر، یافتن آرامش و سکون و نیز تکمیل کردن و تکامل بخشیدن زن و مرد ا یکدیگر و از همه مهمتر بقای نسل است گرد هم جمع نموده و آنان را با رشته های صفا و محبت ، دین و اخلاق و روح و فکر به هم پیوند داده است. (نوابی نژاد، ۱۳۷۳، ص ۲۸)

خانواده کانون اصلی رشد و تعالی انسان ها است و بطوریکه همه انسان های بزرگ و رشد یافتگان سازنده جوامع در کانون گرم و مقدس خانواده پرورش یافته اند، خانواده کانون اصلی انتقال از روشهای فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی است. (نوابی نژاد، ۱۳۷۴، ص ۳۵)

ماری جوری بانکز (۱۹۹۰ م) در تحقیثی نتیجه گیری می کند که شرایط خانوادگی عامل مؤثری در پیشرفت تحصیلی کودکان است (مکارمی، ۱۳۷۳، ص ۲۳۲)

خانواده به عنوان یکی از پایه های اساسی تحکیم و یا کنترل مبانی تربیتی فرد ، نقش آفرین می باشد. کودک در پهنه روانی خود زندگی می کند و این پهنه روانی عمده اش در خانواده و در تأثیر از زندگی پدر، مادر، خواهر و برادران شکل می گیرد، این تأثیر در روند یادگیری فرد بسیار مؤثر و تعیین کننده است.



اینکه والدین با دانش آموز و درس و تحصیل او چگونه برخورد می کند و در الگوهای تربیتی خود برای چه نوع رفتارهایی ارزش قائل می شوند، یکی از اجزای اساسی در شکل گیری نگرش دانش آموز نسبت به تحصیل است.

خانواده های سالم همیشه عامل انسجام، استحکام و سلامت روانی و اجتماعی به شمار آمده اند. انسان های سالم رشد یافته و خانواده های سالم پرورش می یابند و آسیب های اجتماعی گوناگون از خانواده های سالم نشأت می گیرد. بودن (۱۹۷۳ م) معتقد بود که محیط خانواده می بایست بطور همه جانبه مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد. از نظر «بودن» و بدون بررسی بافت اجتماعی خانواده، درک کامل تأثیرات تعداد زیادی از متغیرهای محیط خانواده (بیرونی و درونی) و تجزیه و تحلیل تمام روابط علی میان آنها و عملکرد تحصیل دانش آموز میسر نیست. (صادق الحسینی، ۱۳۷۵، ص ۴۱)

خلاصه کلام آنکه، برای رسیدن به هر هرفی در جامعه باید به خانواده توجه داشت و کار را از آنجا آغاز کرد چرا که منشأ سعادتمندی نوجوانان خانواده ها هستند و در عین حال زمینه ساز بسیاری از انحرافات اخلاقی و کج رویهای اجتماعی و ترک تحصیل های نوجوانان نیز خانواده است.

خاستگاه های انگیزه پیشرفت:

نیاز به پیشرفت بی شک به عواملی چند وابسته است که عبارتند از: ارزشهای فرهنگی، نظامهای روابط اجتماعی، فرآیند های تربیتی، تعامل های همتایان و روش های کاربردی و پرورش کودک از میان مؤثرترین آنها روشهای پرورش کودک و ارزشهای فرهنگی است. تأثیر خانواده بر فرآیند رشد چنان بدیهی است که هیچکس نمی تواند آن را کتمان کند از ابتدای تولد روانشناسی به عنوان رشته جدید به صورت نظری و تجربی بر اهمیت نقش خانواده بالاخص بر روابط متقابل کودکان با والدینشان تأکید شده است و اکثر روانشناسان صرفنظر از مکتبی که به آن معتقدند، کششهای متقابل میان والدین و فرزندان را اساس رشد عاطفی و شناختی کودکان قلمداد می کنند (نوایی نژاد، ۱۳۶۳، ص ۱۱۴)

انگیزش و پیشرفت تحصیلی:



برای توضیح و توجیه اختلاف بیندانش آموزانی که استعداد یکسان برای یادگیری دارند اما پیشرفت تحصیلی آنان متفاوت می باشد می توان از مفهوم انگیزش استفاده کرد. در پی تحقیقاتی متوجه شده اند که در میان دانش آموزان افرادی یافت می شوند که با استعداد کم پیشرفت چشمگیری دارند و نیز افرادی هستند که با استعداد زیاد پیشرفت تحصیلی نسبتاً اندکی نصیب آنها می شود این موارد استثناء به ایجاد مفاهیم بیش آموزی و کم آموزی منجر شده اند. یکی از عوامل توجیه کننده این مطلب انگیزش است. یادگیرنده کم آموز کمتر از یادگیرنده بیش آموز در فعالیت یادگیری می کوشد. زیگنس (۱۹۶۵) مهمترین نقشی که والدین در زمینه پیشرفت تحصیلی فرزندان می توانند داشته باشند ایجاد محیطی آرام و مساعد برای مطالعه و انجام تکالیف است. غنی کردن محیط خانواده از دیگر مسئولیت های مهم والدین است آنها می توانند به جای خرید اشیای غیر دانش آموزان، کتاب های کمک دولتی، غیر درسی و وسایل کمک آموزشی تهیه کنند تا هم اوقات فراغت خود را بگذرانند و هم به یادگیری آنها کمک شود. و سرانجام باید سعی کنند با دادن مسئولیت های مختلف در حد توان دانش آموزان، احساس مسئولیت را در آنان ایجاد نمایند. (امینی فر، ۱۳۶۷، ص ۵۲)

نتیجه گیری :

سطح تحصیلات و سواد والدین، به عنوان یکی از مهمترین عوامل زمینه ساز رشد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده به شمار می آید و می تواند نقش موثری در امر تربیت و آموزش



فرزندان داشته باشد. والدین تحصیل کرده به دلیل احراز مشاغل بهتر و مفیدتر به خودی خود از فرهنگ بالاتر و محیط و موقعیت بهتری برخوردارند. با افراد فرهیخته تعامل دارند. در هنگام بروز مشکلات شغلی و خانوادگی انعطاف بیشتری دارند. فشارهای اقتصادی کمتری را متحمل می شوند تا حد بسیاری می توانند هزینه های فراغتی و تحصیلی فرزندان خود را تامین کنند. اغلب آن ها می توانند زمان بسیاری را در کنار خانواده سپری کرده و راهگشای مشکلات و دغدغه های ذهنی فرزندان خود باشند. از این رو می توانند آرامش روانی و پیشرفت تحصیلی فرزندان خود را تا حد بسیاری تضمین کنند.

والدین با سواد تحصیل کرده به عنوان راهنما می توانند کمک مؤثری در رفع مشکلات درسی فرزندان خود داشته باشند. والدین تحصیل کرده احتمالاً بیش از پدران و مادران کم سواد یا بی سواد که ارزش و اهمیت تحصیلات واقفند از همین رو علاقه مندی و پیگیری جدی تری در زمینه تحصیلی فرزندان خود نشان می دهند. والدین تحصیل کرده و با سواد در صورت فراهم بودن امکانات و شایط از انگیزه بیشتری در فراهم آوردن امکانات مادی و وسائل آموزشی و کمک آموزشی برای فرزندان خود برخوردارند .

منابع :



- ۱- امینی فر، مرتضی - علل و عوامل پیشرفت تحصیلی و چگونگی ارتقاء آن چاپ سوم - تهران ، فصلنامه تعلیم و تربیت سال چهارم شماره ۲
- ۲- آرمند ، محمد - نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی فرزندان ، چاپ دوم ، تهران ، انتشارات میعاد ۱۳۷۳
- ۳- بیابان گرد ، اسماعیل - روشهای پیشگیری از افت تحصیلی ، چاپ چهارم ، تهران ، انتشارات رشد ۱۳۷۵
- ۴- پارسا ، محمد- روانشناسی تربیتی ، چاپ اول ، انتشارات شمس ۱۳۷۴
- ۵- پایان نامه سلیمانی احمد آباد ، عبدالرئوف - رابطه بینتحصیلات والدین و افت تحصیلی ، مرکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان ۱۳۷۹.
- ۶- پایان نامه لشکر زاده، صدیقه - نقش سواد والدین در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر کلاس چهارم ابتدایی شهرستان بم، مرکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان، تیرماه ۱۳۷۸
- ۷- پایان نامه شکوری، اسفندیار و جهانی، اسماعیل. بررسی علل و عوامل مرثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نواحی شش گانه مشهد در دوره راهنمایی ، بهمن ماه ۷۱
- ۸- پایان نامه سبزه بین، محمد و احمد زاده، رمضانعلی - نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی فرزندان در مورد دانش آموزان ناحیه سه شهرستان یزد در سال ۱۳۷۲
- ۹- پایان نامه طباطبایی یزدی، عباس - بررسی چگونگی رابطه بین تحصیلات والدین و پیشرفت تحصیلی مقطع دبیرستان در سال ۱۳۷۱
- ۱۰- زرهانی، سید احمد / تاجیک اسماعیلی ، عزیز الله- نگاهی به نقش های تربیتی خانه و مدرسه ، چاپ دوم، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان ۱۳۶۴
- ۱۱- تقی پور، ظهیر، سطح سواد پیشرفت تحصیلی ، مجله تربیت ، شماره نهم
- ۱۲- علی شقایق(مترجم) چگونه فرزندان باهوش تری تربیت کنیم ، تألیف جان بک چاپ دهم ، انتشارات بدر ۱۳۶۵
- ۱۳- خیر، محمد، پایان نامه شکست تحصیلی و رابطه آن با زمینه خانوادگی دانش آموزان دوره ابتدایی شیراز ۱۳۶۴



- ۱۴- شاملو، سعید- بهداشت روانی ، انتشارات رشد، چاپ دهم . ۱۳۷۲
- ۱۵- صباغیان ، زهرا، سوادآموزی بزرگسالان ۱۳۶۴
- ۱۶- عماد زاده، مصطفی، مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش. اصفهان. جهاد دانشگاهی
۱۳۷۴ .
- ۱۷- طلایی عبدی، حسن. مجله رشد علوم اجتماعی، بهار ۱۳۷۲ ص ۳۰
- ۱۸- علاقه مند، علی. جامعه شناسی آموزش و پرورش ف و ویرایش ۳. تهران . بعثت
۱۳۷۲
- ۱۹- عابدی ، جمال. تأثیر رفتار والدین در پیشرفت تحصیلی کودکان ، مجله تحقیقات
تربیتی ، دانشگاه تربیت معلم. اردیبهشت ماه ۵۶
- ۲۰- قائمی ، علی. نقش ما در تربیت ، نوبت اول ، انتشارات دارالتعلیم قم ۱۳۵۶
- ۲۱- قایقی ، علی. خانواده و مسائل مدرسه ای کودکان ، چاپ سوم ، انتشارات انجمن اولیاء
۱۳۷۷
- ۲۲- فرگوس شری/ مارلین لارنس ای . مدرسه و ارتباط آن با فقر فرهنگی ، چاپ دوم پائیز
۷۴
- ۲۳- سادات، محمد عی، راهنمای پدران و مادران . ج.ا. شیوه های برخورد با نوجوان .
دفتر نشر فرهنگ اسلامی . ۱۳۷۲
- ۲۴- مؤمنی، محترم. چگونه شخصیت فرزندان خود را پرورش دهیم. مؤسسه تحقیقاتی و
انتشارات نور . چاپ اول ۱۳۵۹
- ۲۵- نجاتی ، حسین. نقش تربیتی پدر در خانواده ، انتشارات چاپار فرزندگان، چاپ اول
۱۳۷۱